

## بیداری اسلامی و نیروهای تأثیرگذار در روند دموکراتیزاسیون در تونس (۲۰۲۱-۲۰۱۱)

### با الهام از انقلاب اسلامی ایران

خسرو آرام<sup>۱</sup>، علیرضا رضایی<sup>۲</sup>، قاسم ترابی<sup>۳</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۱۱

#### چکیده:

تونس اولین کشوری بود که در سال ۲۰۱۰ موج جدید بیداری اسلامی در منطقه آن آغاز شد و با کنار زدن بن علی از حکومت، موج جدیدی از تحولات منطقه تحت عنوان مبارزه علیه استبداد و دموکراسی خواهی را رقم زد. در واقع مهمترین خواسته‌های مردم در این دوره از بیداری اسلامی؛ دموکراسی خواهی و از میان برداشتن استبداد و دیکتاتوری بود، که در مشابهت با انقلاب اسلامی ایران در بهمن ماه ۱۳۵۷ می‌باشد. مهمترین پرسش عبارت است از اینکه: موج بیداری اسلامی (۲۰۱۱) در پی دموکراسی خواهی متأثر از نیروهای مختلف در کشور تونس چه نتایجی به دنبال داشته است؟ در این مقاله با تأکید بر زمینه‌های بیداری اسلامی در تونس، بررسی روند دموکراسی خواهی و تحقق آن متأثر از نیروها و جریانات مختلف اسلامی و سکولار در تونس و البته تأثیرپذیری آن از انقلاب اسلامی ایران مورد نظر می‌باشد. یافته‌های مقاله نشان می‌دهد، موج بیداری اسلامی و دموکراسی خواهی در تونس با رهبری حزب النهضة متأثر از انقلاب اسلامی ایران نسبت به سایر کشورها، نتایج بهتری در ایجاد جامعه‌ای متکثر و انزوای استبداد به دنبال داشته و هرچند آهسته اما دست‌یابی به دموکراسی در این کشور چشم‌انداز مناسب‌تری دارد. بهره‌گیری از روش توصیفی تحلیلی و رجوع به منابع کتابخانه‌ای و اسنادی در این مقاله برای نگارش مطالب استفاده شده است.

**واژگان اصلی:** تونس، بیداری اسلامی، انقلاب اسلامی ایران، دموکراسی خواهی، حزب النهضة.

۱. دانشجوی دکتری علوم سیاسی، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران

۲. دانشیار روابط بین‌الملل، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران (نویسنده مسئول) [alirezarezaei@gmail.com](mailto:alirezarezaei@gmail.com)

۳. دانشیار روابط بین‌الملل، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران

## مقدمه

بیدری اسلامی به مثابه فرایندی سیاسی و اجتماعی که ریشه در مبانی و آموزه های دین اسلام و اندیشمندان بزرگی همانند؛ سیدجمال‌الدین اسدآبادی، رشید رضا، حسن البنا و سیدقطب دارد، در دوران معاصر با ظهور شخصیتی همانند؛ امام خمینی(ره) در انقلاب اسلامی ایران عینیت یافت و در تکامل خود در اندیشه آیت الله خامنه ای امتداد یافته است.

امام خمینی(ره) انقلاب اسلامی ایران را به عنوان اولین گام در تشکیل حکومت جهانی اسلامی می‌دانستند و از مهمترین آثار آن را «ایجاد پیوند و ارتباط هرچه بیشتر بین شیعه و سنی و تشکل آنها به عنوان یک نیروی واحد و قدرتمند جهانی در برابر قدرت‌ها»(امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۸، ۱۳) قلمداد می‌کردند. امام خمینی(ره) همواره معتقد بودند: انقلاب اسلامی ایران می‌تواند با صدور ارزش‌های خویش در جهت بیدارسازی و آگاهی مسلمانان جهان گام بردارد و بدین ترتیب به ارائه چهره واقعی از اسلام اهتمام ورزد(همان، ۸۹).

آیت الله خامنه ای در تحلیل ماهیت بیداری اسلامی با اشاره به حکومت های استبدادی و وابسته به نظام سلطه معتقد است: «بعد از انقلاب [اسلامی]، مبنای حکومت، مردم سالاری دینی شد و برخلاف دوران قبل از انقلاب که حکومت وراثتی بود، خواست مردم درحکومت تعیین کننده شد»(حسینی خامنه ای، بیانات: ۱۳۹۰/۶/۲۶).

از سوی دیگر به جرات می‌توان گفت؛ انقلاب اسلامی ایران، نهضتی بیدارگرانه است که در بیدارگری بسیاری از نهضت‌های اسلامی و جنبش‌های دین‌دور منطقه و کشورهای اسلامی، مهمترین نقش و بیشترین تاثیرات را ایفا کرده است. در واقع انقلاب اسلامی تنها انقلاب حقیقی دینی که بر اساس اندیشه‌ها و آموزه‌های اسلام ناب محمدی از سوی امام خمینی(ره) شکل گرفت و حضرت آیت الله خامنه ای نیز بر همین اساس آن را ادامه داده اند. ازاین‌رو، انقلاب اسلامی ایران را نمی‌توان با انقلاب‌های مدرن سنجید، زیرا از لحاظ مبادی و غایات نظری و نیز ماهیت عملی خود بی‌بدیل است. بنابراین بیداری اسلامی معلول چند علت است که مهم ترین آنها، اندیشه و تفکر اسلامی، اراده و تصمیم مسلمانان و رویکرد مردم به اسلام واقعی و ارزش های فطری خود در تقابل با حکومت های استبدادی و وابسته، فقر و چالش‌های اقتصادی در سال ۲۰۱۰ غالب کشورهای اسلامی و جهان عرب متأثر ساخت. مردم تونس که از حکومت استبدادی بن علی در مدت ۲۳ خشمگین بودند، در پی خودسوزی جوان معترض به نام محمد بوعزیزی در ۱۷ دسامبر ۲۰۱۰ به خیابان‌ها آمده و سرانجام «در ۱۴ ژانویه ۲۰۱۱ با فرار زین العابدین بن علی رئیس جمهور به عربستان سقوط کرد و این پایانی بود بر

دوره دیکتاتوری ۲۳ ساله او بر تونس» (مرادپور دهنوی، ۱۳۹۹: ۹۷).

بیداری اسلامی و انقلاب مردمی در تونس که باعث کنار رفتن رئیس جمهور و دگرگونی‌های مهم سیاسی در این کشور را به دنبال داشت، به سرعت به سایر کشورهای عربی از جمله مصر، لیبی، یمن، سوریه و بحرین نیز سرایت کرد و مرحله جدیدی از بیداری اسلامی در خاورمیانه و شمال آفریقا را رقم زد؛ که این موج بیداری اسلامی نتایج مختلفی به دنبال داشته است. اما تونس با گذار از ناآرامی‌ها و هیجان انقلابی مردم، به سوی ایجاد نظم نوین سیاسی نسبتاً موفقتر عمل کرده است. در واقع تونس همانگونه که در بیداری اسلامی و خیزش‌های مردمی، پیش‌تاز کشورهای عربی بود، در دموکراسی خواهی، دولت‌سازی و ایجاد نهادها و حاکمیت سیاسی دموکراتیک نیز موفقتر و پیشگام نشان داده است.

لذا برای تبیین شرایط و فرایند دموکراسی خواهی مردم تونس در این مقاله هدف اصلی عبارت است از؛ بررسی نتایج خیزش دموکراسی خواه در کشور تونس با الهام از انقلاب اسلامی ایران. سایر اهداف نیز عبارتند از: ۱) بررسی مهمترین زمینه‌های بیداری اسلامی و خیزش انقلابی در تونس. ۲) بررسی نقش و جایگاه حزب اسلام‌گرای النهضه در جریان فرایند دموکراسی خواهی و بیداری اسلامی تونس پس از تحولات ۲۰۱۱ تاکنون. ۳) بررسی نقش و جایگاه نیروهای نظامی در تونس در فرایند بیداری اسلامی و دموکریزاسیون تونس پس از ۲۰۱۱. ۴) بررسی مهمترین ویژگی‌های رفتاری احزاب و گروه‌های سیاسی غیراسلامی موثر بر فرایند بیداری اسلامی و دموکراسی خواهی در تونس از ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۱.

بر اساس اهداف فوق مهمترین پرسش نیز عبارت است از اینکه: موج بیداری اسلامی در پی دموکراسی خواهی متأثر از نیروهای مختلف در کشور تونس چه نتایجی به دنبال داشته است؟ سایر سوالات فرعی نیز عبارتند از:

۱. انقلاب اسلامی ایران چه تاثیری بر بیداری اسلامی (۲۰۱۱) در تونس داشته است؟
۲. حزب اسلام‌گرای النهضه در جریان بیداری اسلامی و دموکراسی‌سازی تونس چه نقش و جایگاهی داشته است؟
۳. نیروهای نظامی تونس در فرایند دموکریزاسیون و بیداری اسلامی این کشور از ۲۰۱۱ تا کنون چه نقشی ایفا کرده‌اند؟
۴. احزاب و گروه‌های سیاسی غیراسلامی تونس در فرایند بیداری اسلامی و دموکراسی‌سازی این کشور از ۲۰۱۱ تا کنون چه نقشی ایفا کرده‌اند؟

فرضیه اصلی در این مقاله نشان می‌دهد: بیداری اسلامی و خیزش‌های دموکراسی خواهی در تونس متأثر از انقلاب اسلامی و اندیشه‌های امام خمینی (ره) در این کشور، بیش از پیش به دموکراسی خواهی و انزوای استبداد یاری رسان بوده است.

روش پژوهش مورد استفاده بصورت کیفی، اسنادی و کتابخانه‌ای، به کمک ابزار فیش برداری از کتب و مقالات فارسی و انگلیسی (منابع دست اول) معتبر، همراه با فیش برداری از مطالب مرتبط با موضوع پژوهش می‌باشد و در نهایت اطلاعات جمع‌آوری شده تحلیل خواهد شد. بر این اساس منابع منتشر کننده روندهای توسعه دموکراتیک در کشور تونس و علل و عوامل داخلی، منطقه‌ای و نیز بین‌المللی، به عنوان منابع مرتبط با موضوع این پژوهش مورد توجه قرار خواهد گرفت.

در بیان پیشینه تحقیق نیز کم و بیش پژوهش‌های مختلفی صورت گرفته است: علی‌داری (۱۳۹۹) «النهضة و فرایند بیداری اسلامی در تونس؛ از اسلام‌گرایی در مبارزه تا تجربه عملی حکومت داری» این مقاله با هدف بررسی نوع و علل تحولات، تغییرات و دگردیسی آشکار در ایده‌ها و بنیان‌های ارزشی جنبش النهضة تونس در ابعاد نظری و عملی از اسلام‌گرایی در مبارزه قبل از انقلاب ۲۰۱۰ یاسمن تا ورود به عرصه عملی سیاست و حکمرانی سکولار در این کشور به رشته تحریر درآمده است. رضا امیری مقدم، امیر هوشنگ خادم‌دقیق، بهمن رحیمی (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان: «آسیب‌شناسی بیداری اسلامی در کشورهای مصر، تونس و لیبی» با هدف شناخت عوامل بروز آسیب‌مترتب بر روند بیداری اسلامی در کشورهای تونس، مصر و لیبی پرداخته و معتقدند: مهمترین عوامل آسیب‌مترتب بر روند بیداری اسلامی در کشور تونس به ترتیب اولویت مشکلات سیاسی، ایدئولوژی، سطح فرامنطقه‌ای، سطح منطقه‌ای، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، نظامی و امنیتی می‌باشد. مهدی حاجی سیاری و پیمان جبلی (۱۳۹۷) «توصیه‌های راهبردی کشور تونس برای تداوم بیداری اسلامی، مبتنی بر ظرفیت‌ها، پیشران و بازیگران کلیدی» هدف اصلی خویش را تبیین توصیه‌های راهبردی برای تداوم جریان بیداری اسلامی در تونس قرار می‌دهند. آجیلی و بیکی (۱۳۹۵) در مقاله «واکاوی دگردیسی سیاسی جنبش اسلام‌گرای اخوان المسلمین تونس (النهضة)» معتقدند: النهضة از زمان تأسیس، به تدریج از ایده‌هایی مانند خلافت و امت اسلامی به سوی دموکراسی، تحزب‌گرایی حرکت کرده و در حقیقت، اندیشه و عملکرد النهضة نوعی عملگرایی اسلامی، متأثر از تحولات و فرایندهای سیاسی داخلی و بین‌المللی است که این عملگرایی در راستای تثبیت در قدرت و تداوم حیات سیاسی می‌باشد.

با وجود تحقیقاتی که تا پیش از این در باره‌ی موضوع بهار عربی و بیداری اسلامی در کشورهای تحت تاثیر این تحولات و بطور خاص تونس، به عنوان نخستین کشوری که آغازگر جریان بیداری اسلامی صورت گرفته است، غالب این تحقیقات یا بصورت اجمالی به بررسی یک یا چند فاکتور محدود در برخی از این کشورها پرداخته اند. لیکن پژوهش پیش روی با نگاهی نو به بررسی بیداری اسلامی و روند دموکراتیزاسیون متأثر از نیروهای تاثیرگذار (اعم از نیروهای مذهبی و سکولار) در تونس پرداخته است که تا کنون پژوهشی با این موضوع به رشته تحریر در نیامده است.

### ۱. چارچوب نظری:

دموکراتیزاسیون عبارت از روند تکوین دموکراسی است (طاهایی، ۱۳۸۸: ۲۲۱ - ۲۲۲). این اصطلاح اولین بار در سال ۱۸۸۸ توسط جیمز برایس مورد استفاده قرار گرفت. به عبارت دیگر، دموکراتیزاسیون جریانی است که از طریق آن کشورها به سوی یک نظام سیاسی دموکراتیک حرکت می‌کنند (همان). بنابراین دموکراتیزاسیون را فرایند تغییر نظام سیاسی غیردموکراتیک به نظام سیاسی دموکراتیک تعریف نموده‌اند. لذا بحث از عوامل مؤثر در گذار یک نظام اقتدارگرا به نظام دموکراتیک از گسترده‌ترین و عمیق‌ترین مباحث گذار به دموکراسی است. برخی از نظریه‌پردازان بر نقش عوامل کلان و ساختاری تأکید کرده‌اند و برخی دیگر نیز علاوه بر در نظر داشتن پیش‌زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی و تاریخی خاص، نقش کارگزاران و نخبگان سیاسی را در گذار به دموکراسی برجسته می‌کنند. نظریه‌پردازان دیگری نیز از چشم‌انداز جهانی شدن و نقش سازمان‌های بین‌المللی از عوامل جهانی و منطقه‌ای مؤثر بر گذار سخن گفته‌اند (عمادی، ۱۳۹۳).

برای تبیین مسئله و موضوع مطرح شده در این نوشتار از نظریات فردریش فن هایک<sup>۱</sup> (۱۹۹۲-۱۸۹۹) استفاده شد است که به مکتب سیاسی «نولیبرال» یا «راست جدید» نام بردار می‌باشد. وی با تکیه بر فردگرایی لیبرالیسم، دموکراسی را ابزاری برای رسیدن به هدف آزادی می‌داند و به نقد قوانین خودسرانه، دموکراسی‌های امروزی و اختیارات نامحدود قوه مقننه می‌پردازد و راه خروج از این مشکل را محدود کردن اختیارات دولت با قانون و تقسیم وظایف درون حکومت می‌داند. او علاوه بر تأکید بر برابری در مقابل قانون، عدالت اجتماعی را مورد انتقاد قرار داده و با تکیه بر آزادی و نظم اجتماعی خودجوش که لزوماً با طرح و قصد از پیش طراحی شده ایجاد نمی‌شود و به طور آگاهانه انتخاب

<sup>۱</sup> Friedrich Von Hayek

نمی‌شوند، به بیان نظریه عدالت آزادی مدار می‌پردازد که مبتنی بر آن، برخلاف نظریه عدالت اجتماعی، هرگونه دخالت دولت برای ایجاد عدالت را برهم زننده نظم طبیعی خودجوش و آزادی فردی می‌داند. (افشاری، ۱۳۹۹: ۲۵) لذا آنچه در تونس اتفاق افتاد تلاش برای آزادی و عدالت اجتماعی بود که بستر بیداری اسلامی بوقوع پیوست.

هایک، آزادی تحت حکومت قانون را مهمترین بستر برای اجرای عدالت و رفاه می‌داند. ایشان برنامه‌ریزی متمرکز و دخالت دولت در اقتصاد را از مهمترین عوامل شکل‌گیری توتالیتریسم و محو آزادی فردی می‌داند. لذا محدود ساختن قدرت حکومت و تقویت توانایی‌های جامعه و فرد را مهمترین مبنای دموکراسی به شمار می‌برد. در واقع از منظرهایک دموکراسی به معنی حکومت قانون می‌باشد اما باید توجه داشت که قوانین خودسرانه وضع نشده باشند، به گونه‌ای که موجبات تحمیل اراده خودسرانه دولت را بر فرد فراهم آورد. بر همین اساس ایشان میان دو نوع از قوانین تمیز قایل می‌شود. یکی قواعد رفتار عادلانه و دیگری امریه‌های حقوقی. لذا از نظر هایک قانون واقعی با امریه‌های حقوقی متفاوت می‌باشد (هایک<sup>۱</sup>، ۱۹۸۸: ۳۵-۳۶).

هایک در تبیین دو مقوله آزادی و دموکراسی و وجه تمایز آنها می‌نویسد: «تفاوت بین این دو آرمان (آزادی و دموکراسی) وقتی به وضوح آشکار می‌شود که مفهوم مخالف هر کدام را معین نماییم. مفهوم مخالف دموکراسی عبارت است از: حکومت مقتدر (خودرأی) و مفهوم مخالف آزادی، حکومت توتالیتر است. دموکراسی می‌تواند دارای قوای توتالیتر باشد و از سوی دیگر حکومت مقتداری را می‌توان تصور نمود که طبق آزادی عمل کند.» (همان: ۶۶-۶۹)

در مجموع به عقیده هایک فقط دموکراسی قانونی<sup>۲</sup> می‌تواند آزادی را محور کار خود قرار دهد و قانونگذاران نباید در حاکمیت قانون مداخله کنند، زیرا چنین دخالتی عموماً باعث کاهش آزادی می‌شود. پس باید همه چیز به وسیله حاکمیت قانون محدود شود. دموکراسی قانونی هایک «دولت حداقل» را ترسیم می‌کند. لذا با توجه به اوضاع حاکم بر جامعه تونس در مقایسه با سایر کشورهای منطقه که از بهار عربی متأثر شدند فرایند دموکراسی و حاکمیت قانون در آن از شرایط مناسب‌تری برخوردار بوده است. بر همین اساس بنظر می‌رسد دیدگاه‌های فون هایک از قدرت انطباق بیشتری در تجزیه و تحلیل فرایند دموکراتیزاسیون در تونس برخوردار می‌باشد.

<sup>1</sup> Hayek

<sup>2</sup> Constitutional democracy

## ۲. زمینه‌های شکل‌گیری بیداری اسلامی تونس

استبداد و دیکتاتوری را می‌توان مهمترین زمینه شکل‌گیری بیداری اسلامی در تونس به شمار آورد که همراه با سکولاریسم و سرکوب احزاب و بویژه گروه‌های سیاسی با صبغه دینی در جامعه مسلمان تونس زمینه را برای بیداری اسلامی فراهم می‌آورد. افزون بر موارد مذکور می‌بایست به چالش‌های اقتصادی و معیشت سخت مردم اشاره کرد. مجموع این عوامل همراه با فقدان آزادی و فساد آشکار گروه حاکمه، درست زمانی که در ۱۷ دسامبر ۲۰۱۰ میوه فروشی در مقابل اذیت و آزار پلیس اقدام به خودکشی کرد، به جنبشی انقلابی تبدیل شد. (اسکوپین<sup>۱</sup>، ۲۰۱۱). که در نهایت با فراگیری اعتراضات مردمی که همسو با هم، خواستار استعفای زین العابدین بن علی بودند، در نهایت به رئیس جمهوری بن علی که از سال ۱۹۸۸ در تونس حکومت می‌کرد (سورنسن<sup>۲</sup>، ۲۰۱۱) پایان داد. بدین ترتیب محمد بوعزیزی به سمبلی برای مبارزه مردم مظلوم و ضعیف تونس تبدیل شد. البته تونس‌های ستم حکومتی و جهانی شدن شبکه‌های اطلاعاتی به خوبی آگاه بودند و دسترسی به شبکه‌های اطلاعاتی خارجی، منجر به سرعت بالا و سازماندهی حرفه‌ای مخالفان شده بود (اسکوپین، ۲۰۱۱). پس از اعتراض مخالفان به طور شگفت‌انگیزی بن علی قدرت را ترک گفت و به عربستان کوچ کرد و به اولین اتوکرات عرب تبدیل شد، که در مقابل ناراضی‌های عمومی سرنگون شد. (طالبی، ۱۳۹۰)

لذا در تشریح مهمترین زمینه‌های انقلاب ۲۰۱۱ تونس می‌بایست به موارد ذیل اشاره داشت:

### ۱) جو دیکتاتوری و اختناق سیاسی

تونس بعد از استقلال از استعمار فرانسه در سال ۱۹۵۶ تا سقوط حکومت بن علی در آغاز ۲۰۱۱ تنها دو رئیس‌جمهور به خود دیده بود. «حبيب بورقبیه» نخستین رئیس‌جمهور این کشور بود که رهبر جنبش استقلال خواهی این کشور را برعهده داشت و دومین نفر «زین‌العابدین بن علی» بود که در سال ۱۹۸۷ با کودتایی آرام بورقبیه را مجبور به کناره‌گیری از قدرت کرد و خود جانشین وی شد. «بن‌علی در نخستین سخنرانی خود به تونس‌ها گفت «از این پس، بی‌عدالتی نخواهد بود»، و در نخستین گام به مجازات شماری از دانشجویان پایان داد که به سبب شرکت در اعتراض‌های ماه‌های گذشته، برای گذران دوران خدمت سربازی به مناطق بیابانی جنوب فرستاده شده بودند. فعالیت بخش‌های صنفی و رسانه‌ها نیز آغاز شد اما ۲ سال بعد، زمستان سرکوب با دستگیری ۶۰۰ رهبر دانشجویی سر رسید و

<sup>1</sup> Skupin

<sup>2</sup> Sorensen

بسیاری از احزاب مخالف به نوبت طعم ممنوعیت فعالیت را چشیدند» (مسعود، ۱۳۹۸)

همانطور که پیشتر مورد اشاره قرار گرفت، فون هایک منتقد سیاست‌های برنامه‌ریزی دولتی و حمایتی بود و آن را بر خطا می‌دانست و پیش‌بینی می‌کرد این وضعیت نه تنها منجر به بحران در اقتصاد خواهد شد. بر همین اساس برخی سیاست‌های حمایتی بن علی در تونس موجبات شکل‌گیری حکومت استبدادی و کاهش آزادی‌های فردی را فراهم آورده بود. لذا در یک تحقیق علمی پیرامون ساختار سیاسی کشورهای خاورمیانه، بلدیس<sup>۱</sup>، حکومت بن علی را زمره حکومت‌های دیکتاتوری تک حزبی طبقه‌بندی کرده بود. (بلدیس، ۲۰۱۱: ۲۲۶)

نظامی که بن علی بر پا کرد، رئیس‌جمهور را در مقام دیکتاتوری قرار می‌داد که فصل‌الخطاب تمامی مسائل کشور بود. در این نظام رئیس‌جمهور کابینه، نخست‌وزیر، حاکمان مناطق و رئیس سازمان رسمی نظارت بر انتخابات را تعیین می‌کرد. افزون بر این، در آخرین اصلاحات قانون اساسی که در سال ۲۰۰۲ به فرماندوم گذاشته شد، محدودیت سه دوره‌ای نامزدی برای ریاست جمهوری لغو شد و حداکثر سن نامزدهای ریاست جمهوری از ۷۰ سال به ۷۵ سال افزایش یافت (فریدم هوس<sup>۲</sup>، ۲۰۱۰).

این اصلاحات به وضوح برای بقای حکومت در دستان بن علی انجام شد.

اصلاحات ۲۰۰۲، علاوه بر تسهیل نامزدی مجدد بن علی و تمدید ریاست جمهوری وی، شرایط دشواری برای نامزدی رقبای وی تعیین کرد؛ از جمله شرایط نامزدی برای مقام ریاست جمهوری این بود که نامزد ریاست جمهوری باید در شورای رهبری یکی از احزاب قانونی حداقل به مدت دو سال عضو بوده باشد و یا آنکه بتواند موافقت ۳۰ تن از قانون‌گذاران و اعضای شوراهای محلی را کسب کند. بدین ترتیب، نظام سیاسی بسته تونس، از سال ۲۰۰۲ بسته‌تر هم شد و آزادی‌های مدنی و سیاسی به خصوص از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و اعلام حمایت تونس از جنگ علیه تروریسم – که در واقع همچون بسیاری از کشورهای خاورمیانه بهانه‌ای برای سرکوب مخالفان شد – به طور کامل قربانی شد. در چنین شرایطی، رسانه‌های مستقل، روزنامه‌نگاران و وبلاگ‌نویسانی که انتقاداتی متوجه دولت می‌کردند، سرکوب و شکنجه و از کار خود اخراج و با ممنوعیت خروج از کشور مواجه شدند. در سال ۲۰۱۰، کمیته حمایت از روزنامه‌نگاران، تونس را از جمله ۱۰ کشور ناامن جهان برای وبلاگ‌نویسان رتبه‌بندی کرد. (فریدم هوس، ۲۰۱۰).

<sup>1</sup> Blaydes

<sup>2</sup> Freedom House



لذا با توجه به نظر هایک آزادی محصول قانون است و خارج از جامعه مدنی وجود ندارد و حکومت قانون ضرورتاً از آزادی فرد پاسداری می‌کند. اما حکومت بن علی نه تنها جامعه مدنی را محدود ساخته بود بلکه قانون را بر اساس منویات شخصی و خودسرانه تعریف می‌کرد. هایک قانون را محصول تکامل اخلاقی جامعه می‌داند. افزون بر این وی قانون بنیادی را محصول آزادی و اخلاق منفی و بازدارنده و ضامن تمامیت آزادی فرد می‌داند و معتقد است مشروعیت قوانین را باید در انطباق با قانون بنیادی و همگانی یافت. بر این اساس تمهیدات دولت برای دخالت در اقتصاد که به زیان برخی گروه‌های اجتماعی تمام می‌شود را امریه‌های تبعیض آمیز می‌داند (هایک، ۱۹۷۸: ۴۴-۴۵).

## ۲) اوضاع بد اقتصادی و معیشتی در تونس

یکی دیگر از زمینه‌های شکل‌گیری انقلاب ۲۰۱۱ در تونس افزون بر جو دیکتاتوری می‌بایست به اوضاع بد اقتصادی و معیشتی عامه مردم اشاره کرد. طبق گزارش برنامه توسعه انسانی ملل متحد در سال ۲۰۰۹، در سال ۲۰۰۶-۲۰۰۵، نرخ بیکاری در تونس ۲۷ درصد بود که از این تعداد حدود ۶۵ درصد را جوانان تشکیل می‌دادند. طبق این گزارش، متوسط نرخ بیکاری از ۱۳/۶ درصد در دهه ۱۹۸۰، به ۱۵/۵ درصد در دهه ۱۹۹۰ و سپس به ۲۷ درصد در سال ۲۰۰۶-۲۰۰۵ افزایش یافت. (UNDP, 2009, 109)

از منظر هایک دولت‌هایی که در راه رفاه جامعه به عدالت توزیعی می‌پردازند و به مسئولیت اجتماعی دولت و برابری اقتصادی افراد توجه دارند دلیلی برای پای بندی به هنجارها و نهادهای مؤثر جامعه نمی‌بینند و لذا اقدامات خود را گسترده از آنها تعریف می‌کنند (هایک، ۱۹۸۸: ۷۸-۷۹). طبیعی است که تعریف آنها از آزادی و حقوق انسانی در تناقض با آن چیزی باشد که انسان‌ها انتظار دارند. به این ترتیب هایک بر این باور است که برنامه‌ریزی دولتی متمرکز نمی‌تواند به موفقیت برسد. (گری<sup>۱</sup>، ۱۹۹۳: ۸۸). بر همین اساس فقر اقتصادی و اختلال در وضعیت اقتصادی معیشتی مردم به ویژه اقبال فقیر و طبقه متوسط جامعه، یکی از اساسی‌ترین مولفه‌های شکل‌گیری اعتراضات و زمینه‌ساز انقلاب این کشور به شمار می‌رود که مهمترین نماد آن را می‌توان خودسوزی بوعزیزی در اعتراض به شرایط کاری و شغلی و تصرف گاریچه سبزی فورشوی وی توسط شهرداری اشاره کرد.

افزایش نرخ بیکاری، نیز همواره یک مشکل اساسی به شمار رفته است. نرخ بالای بیکاری در میان جوانان تحصیل کرده تونسی موجب بروز نگرانی‌هایی در زمینه گرایش احتمالی این جوانان به

<sup>1</sup> Gray

گروه‌های رادیکال شده بود. برخی احتمال پدید آمدن موجی از مهاجرت را مطرح می‌ساختند، اما با توجه به قدرت امنیتی و نظامی رژیم بن‌علی، هیچ کس پیش‌بینی وقوع تظاهرات و شورش‌های گسترده را نمی‌کرد. همچنین نباید از سطح بالای مفاسد اداری و اقتصادی در ساختار سیاسی تونس به ویژه در میان مدیران رده بالا و نزدیکان بن‌علی غافل ماند. در واقع، نارضایتی و خشم تونسی‌ها را با توجه به شرایط بغرنج اقتصادی کشور دو چندان ساخت. طبق گزارش شفافیت بین‌الملل، تونس در سال ۲۰۱۰، از نظر سطح فساد در بین ۱۸۰ کشور رتبه ۵۹ را داشت. (Transparency International, 2011, p 3).

### ۳. فرایند گذار از شرایط انقلابی و استقرار نظم نوین سیاسی

پس از سرنگونی رژیم بن‌علی، و در بجه‌انقلاب، حکومت موقت انتقالی زمام امور را در این کشور به دست گرفت و زمینه‌های پیاده‌سازی نظم نوین سیاسی با برگزاری انتخابات مجلس مؤسسان در ۲۳ اکتبر ۲۰۱۱ فراهم آورد. این انتخابات نخستین انتخابات آزادی بود که بعد از زمان استقلال این کشور از استعمار فرانسه در سال ۱۹۵۶، در تونس برگزار شد. به این ترتیب تونس از یک مرحله انقلابی با حکومت انتقالی و پس از ۱۰ ماه از پیروزی انقلاب، به یک حکومت متکی بر دموکراسی گذر کرد. در واقع نخستین انتخابات پارلمانی تونس با حضور ۹۰ درصد از رأی‌دهندگان (در ۲۳ اکتبر ۲۰۱۱) برگزار شد (ابراهیم نیا، ۱۳۹۱: ۸۹). مجموع ۲۱۷ کرسی مجلس مؤسسان بین استان‌های مختلف توزیع شد و در استان‌ها نیز افراد به لیست‌های احزاب رأی می‌دادند و ۱۴۰ لیست انتخاباتی وجود داشت. در این انتخابات که برای تعیین نمایندگان مجلس ملی مؤسسان برگزار شد حزب اسلام‌گرای «النهضة» موفق شد از مجموع ۲۱۷ کرسی مجلس مؤسسان ۸۹ کرسی و به عبارتی، ۴۱٫۴۷ درصد آرا را به خود اختصاص دهد. بدین ترتیب پس از انقلاب نیز منصف المرزوقی از حزب کنگره برای جمهوری رئیس‌جمهور تونس و حماد الجبالی از النهضة نخستین نخست‌وزیر شد؛ اما در پی بحران داخلی از جمله ترورهای سیاسی وی نیز استعفا داد و علی العریض به عنوان نخست‌وزیر انتخاب شد (همان). در مجموع مردم تونس پس از سقوط بن‌علی صرف‌نظر از انتخابات مجلس مؤسسان، همه‌پرسی قانون اساسی و همچنین انتخابات مجلس نمایندگان، چهار رئیس‌جمهوری را برگزیدند و به کاخ کارتاژ فرستادند. فواد المبرع (به طور موقت برای ۱۱ ماه در سال ۲۰۱۱)، منصف المرزوقی (۲۰۱۱ تا ۲۰۱۴) و باجی قائد السبسی (۲۰۱۴ تا زمان مرگ در ۲۰۱۹) اداره دولت را بر عهده داشتند. آخرین دوره انتخابات

ریاست جمهوری نیز شهریورماه ۱۳۹۸ با نامزدی ۲۶ تن از جمله ۲ زن پس از مرگ السبسی برگزار شد که به دور دوم کشید و یک نامزد مستقل، حقوقدان و دانشگاهی به نام «قیس سعید» ۷۶ درصد آرا را از آن خود کرد و به مقام ریاست جمهوری انتخاب شد. (مسعود، ۱۳۹۸)

#### ۴. نقش و جایگاه حزب اسلام گرای النهضه در فرایند دموکریزاسیون تونس

حزب اسلامگرای النهضه که پیش از انقلاب ۲۰۱۱ به عنوان جنبش النهضه فعالیت می‌کرد، به مثابه مهمترین جنبش اسلامی تونس در سال ۱۹۷۱ توسط الغنوشی و همکارانش در دانشگاه سیدی یوسف تونس تاسیس شد (دارابی، ۱۳۹۹: ۱۲۱). برپایه اساسنامه جنبش اسلامگرا تونس وابستگی رژیم این کشور به بیگانگان، وجود فساد و انحراف از دین، نفوذ و اشاعه فرهنگ غربی در جامعه تونس، از عوامل مولد النهضه شمرده شده است (همان: ۱۲۱).

در تونس بعد از برگزاری اولین انتخابات پس از سقوط بن علی به دلیل سازمان‌دهی منسجم‌تر النهضه توانست بیشترین تعداد کرسی‌ها مجلس (۸۹ کرسی) را کسب نماید و وظیفه یافت با سامان یک ائتلاف از دیگر گروه‌های سیاسی اولین دولت را تشکیل دهد (نبوی، ابراهیم نیا، ۱۳۹۳: ۱۰). بعد از این پیروزی، النهضه؛ وارد عرصه رقابت تنگاتنگی با رقبای گذشته همانند؛ احزاب سکولار چپ و لیبرال با پنج دهه فعالیت و تعمیق ریشه‌های فکری خویش در سپهر سیاسی تونس که البته بیشتر با النهضه هم پیمان بودند به رقابت و مجادله پردازد. (روی، ۲۰۱۲: ۴۵-۸۹).

علاوه بر این رشد فزاینده احزاب و گروه‌های سلفی پس از انقلاب ۲۰۱۱ چالش دیگری بود که اسلام‌گرایان النهضه با آن روبرو شدند؛ دیگر چالش مهم و اساسی النهضه پاسخ به مطالبات جوانانی بود که قیام دسامبر ۲۰۱۰ را آغاز نمودند ولی اکنون نیز خواسته‌های آنان نادیده انگاشته شده بود (آریف، ۲۰۱۲: ۲-۸)؛

قانون اساسی جدید تونس، که پیش‌نویس‌اش با کمک اعضای پارلمانی النهضه نوشته شد و در سال ۲۰۱۴ تصویب گردید، دموکراسی و صیانت از آزادی‌های سیاسی و مذهبی را ارج می‌نهد. در قانون اساسی جدید حق تونسی‌ها برای پرستش آزادانه، بیان عقاید و باورها و پذیرش هویت یک مسلمان عرب تضمین شده است، و لذا دیگر لازم نیست که النهضه انرژی‌اش را بر سر مبارزه برای

<sup>1</sup> Roy

<sup>2</sup> Arief

چنین حقوقی بگذارند.

در مجموع می‌توان گفت، حزب النهضه با رهبری الغنوشی موفق شد، در همکاری با انقلابیون و مبارزه علیه رژیم بن علی، حوادث و جریانات قبل از انقلاب را رهبری و اوضاع را کنترل در آورد. بعد از سقوط بن علی و پیروزی انقلاب نیز، با وجود فضای سکولاریستی ناشی از شرایط پیش از انقلاب، موفق شد از طریق مسالمت آمیز و ائتلاف، حضور مؤثر نیروهای اسلام‌گرا را در نظام سیاسی و حاکمیت نگه دارد و از حذف آن‌ها در سپهر سیاسی تونس، جلوگیری به عمل آورد. «راشد الغنوشی با اتخاذ راهبرد مسالمت آمیز که برگرفته از مواضع فکری انعطاف پذیر وی در حوزه‌های یادشده بود، توفیق یافت با کمترین هزینه و در چارچوب قوانین موجود، نسبتاً به اهداف خویش دست یابد. از دیدگاه وی در صورتی که دموکراسی، با تعریف خاصی که از نظر وی مورد پذیرش اسلام نیز هست، بر جامعه تونس حکم فرما شود، در آینده نه چندان دور مسلمانان خواهند توانست سرنوشت خویش را رقم بزنند.» (میرعلی، ۱۳۹۷: ۱۶۵)

یکی دیگر از شاخصه‌های موفقیت النهضه در تونس پذیرش جدایی دین از سیاست می‌باشد، النهضه در دهمین کنگره‌ی حزب (ماه می ۲۰۱۶) مجموعه‌ای از تغییرات را اعلام کرد تا تصمیم‌اش مبنی بر تمرکز اختصاصی بر سیاست و کنارگذاشتن فعالیت‌های اجتماعی، آموزشی، فرهنگی و مذهبی رسمیت یابد. حزب در سال‌های اخیر به تدریج فعالیت‌های مذکور را وانهاد و پذیرفته که این دست فعالیت‌ها را باید سازمان‌های جامعه‌ی مدنی مستقل انجام دهند و نه حزب یا هر نهاد وابسته به آن. النهضه برای تثبیت این تغییر، در کنار سایر اقدامات، تصریح کرده که کادرهای حزب دیگر در مساجد موعظه نمی‌کنند و رهبری گروه‌های جامعه‌ی مدنی نظیر انجمن‌های مذهبی یا خیریه را برعهده نمی‌گیرند. لذا هم اکنون النهضه نه به منزله‌ی جنبشی اسلامی بلکه بیشتر به عنوان حزب دموکرات‌های مسلمان شناخته می‌شود (الغنوشی، ۱۳۹۵).

غنوشی با جدایی از اخوان المسلمین و طرد تفکرات اخوانی‌ها، معتقد است: اخوان به دنبال ویرانی میهن و ملت خود است و به همین دلیل راه اخوان از راه النهضه جدا می‌باشد. وی می‌گوید: «من مسلمان تونسی هستم. تونس میهن من است، و من باور دارم که میهن مساله‌ی مهم و اساسی و محور است و اجازه نمی‌دهم هیچکس تونسی بودن مرا از من بگیرد، هیچ دشمنی علیه تونس را حتی اگر از سوی یک نفر از مخاطبان این نامه باشد، نمی‌پذیرم.» (الغنوشی، ۲۰۱۶).

در مجموع می‌توان گفت؛ النهضه به رهبری راشد الغنوشی به رغم اسلام‌گرایی در فرایند بیداری

اسلامی در شمال آفریقا و بعد از موفقیت در انقلاب یاسمن، به جهت محافظه کاری ناشی از تجربه عملی حکومت داری، از یکسو دستخوش تحولات نظری و عملی در زمینه‌های ایدئولوژیکی-سیاسی و مولفه‌های هویتی شده است و از سوی دیگر به جهت این تغییرات و دگرذیسی، ضمن فاصله و جدایی از آرمان جنبش فراگیر اخوان المسلمین به سمت دموکراسی سکولار و اتخاذ رویکرد پایبندی حداقلی به ارزش‌ها و اصول اسلامی و تبدیل شدن به یک حزب سیاسی وطن محور و سکولار گرایش پیدا کرده است (دارابی، ۱۳۹۹: ۱۱۱).

##### ۵. تاثیرپذیری حزب النهضه و راشد الغنوشی از انقلاب اسلامی ایران و امام خمینی (ره)

تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران شمار نهضت‌ها و جنبش‌های اسلامی بسیار اندک و منفعل یا در ضعف و نابودی به سر می بردند (برزگر، ۱۳۹۱: ۲۹۳). اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، موج جدیدی از جنبش و تشکلهای اسلامی در جهان اسلام شکل گرفت. در تونس نیز متأثر از انقلاب اسلامی ایران، جنبش النهضه فعالیت‌های خویش را دوچندان ساخت (تلاشان، نصر دهبیری، ۱۳۹۳: ۷۴۹).

در واقع انقلاب اسلامی ایران از جمله وقایع مهم و تاثیرگذار قرن بیستم بویژه در جهان اسلام می باشد. «انقلابی که نه تنها از نظر تئوری با آنچه به عنوان چارچوب‌های ضروری برای انقلاب شناخته می‌شد، متفاوت بود؛ بلکه از نظر حوزه جغرافیایی که در آن رخ داده بود نیز قابل پیش‌بینی نبود. از همه مهم‌تر، قید دینی آن بود که به آرمان‌های این انقلاب، کیفیتی متفاوت از دیگر انقلاب‌ها در جهان می‌بخشید» (ابراهیمی کیاپی، ۱۳۹۳: ۱). به بیانی دیگر پس از پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (ره)، جهان اسلام و جنبش اسلامی کاملاً تحول یافتند. «یکی از تجلیات این تحول را باید در تغییر کمی و کیفی جنبش‌های اسلامی و رهایی بخش جست و جو کرد. از نظر کمی، شمار جنبش‌های اسلامی افزایش یافت و از خاور دور تا کرانه‌های اقیانوس اطلس و مغرب اسلامی را در بر گرفت که در این خصوص، جنبش‌های رهایی بخش در کشمیر، افغانستان، تونس، الجزایر، آسیای میانه و کشورهای حوزه خلیج فارس را می‌توان نام برد. تغییرات کیفی محسوس‌تر بود؛ حرکت‌های ملی، مارکسیستی و التقاطی رنگ باخته و تحرکات اسلامی نضج گرفت. افغانستان، نمونه جایگزینی قیام اسلامی به جای حرکات مارکسیستی است و لبنان و فلسطین نمود جانشینی اسلام انقلابی به جای حرکات قومی و التقاطی است» (سجادی، ۱۳۷۸: ۳۶۰).

یکی از راهبردهای مهم انقلاب اسلامی و حضرت امام خمینی(ره)، که تأثیر به‌سزایی در خیزش علیه نظام سلطه داشت حمایت و پشتیبانی از حرکتهای اسلامی و به عبارتی صدور انقلاب به سایر کشورها بود: «... ما میل داریم ملت‌ها همه این‌طور بشوند. صدور معنویت انقلاب اسلامی به جهان، ما که می‌گوییم «انقلابمان را می‌خواهیم صادر کنیم» ... همین معنویتی که پیدا شده است در ایران ... ما می‌خواهیم این را صادر کنیم. ما نمی‌خواهیم شمشیر بکشیم و تفنگ بکشیم و حمله کنیم ... آنها حمله می‌کنند ما دفاع می‌کنیم. دفاع لازم است ... شما کوشش کنید ... ملت‌های خودتان را بیدار کنید. آنهایی که برای اسلام دلشان می‌سوزد، آنهایی که برای کشورشان دلشان می‌سوزد، ملت‌های خودشان را بیدار کنند تا این تحول الهی، که در ایران پیدا شد، در آنجاها پیدا بشود...» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۳: ۹۱).

از طرف دیگر انقلاب اسلامی از آن لحاظ که انقلابی مابین مرحله مدرنیته و فرامدرنیته بود، توانست به‌عنوان الگویی برای تلفیق سنت و مدرنیته و نیز الگوی مقابله با مظاهر مدرنیسم غربی از قبیل: اومانیسم، سکولاریسم و ماتریالیسم قرار گیرد و در نتیجه توانست در عین اخذ جنبه‌های مثبت تمدن غرب، ارزش‌های اسلامی را هم به آن بیافزاید و در نهایت وحدت در ارزش‌های اسلامی و کثرت در تکنولوژی‌ها و شیوه‌های اعمال و اجرای آن ارزش‌ها را به منصفه ظهور برساند. تا پیش از انقلاب نظریه پردازان بیشتر با نگاه مدرنیته به انقلابها نگاه می‌کردند، یعنی انقلاب در جهت مدرن شدن و نو شدن تلقی می‌شد؛ درحالی که انقلاب اسلامی نه تنها با مظاهر مدرنیسم غربی به مقابله پرداخت، بلکه جنبش بازگشت به خویشتن را مطرح کرد.

راشد الغنوشی، در ۱۹۷۰ میلادی نخستین هسته‌های حرکت اسلامی را در میهن خود تشکیل داد و مجله‌المعرفه را به عنوان ارگان حرکت «الاتجاه الاسلامی» که موجودیت رسمی حرکت را اعلام کرده بود، منتشر ساخت و با نشر مقالاتی متعدد در آن مجله از انقلاب اسلامی ایران و رهبری امام خمینی(ره) به شدت حمایت و پشتیبانی کرد و به تبیین افکار و اندیشه‌های بنیانگذار جمهوری اسلامی پرداخت. به همین دلیل در دوران حبیب بورقبیه رییس جمهوری سکولار و وابسته به امپریالیسم فرانسه به ۱۱ سال زندان محکوم شد (غنوشی، ۱۳۷۷: ۱۳۳). در سال ۱۹۷۹ و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران الغنوشی کاملاً متمایل به ایران و تفکرات حضرت امام خمینی(ره) می‌شود و تحت تأثیر انقلاب اسلامی در کتب و مقالاتی که منتشر می‌کند به وضوح از امام خمینی(ره) و انقلاب اسلامی تعریف و تمجید کرده است. که از مهمترین آنها می‌توان به کتاب «حرکت امام خمینی و تجدید حیات اسلام» اشاره کرد.

بخش نخست این کتاب «امام خمینی و رهبری حرکت‌های اسلامی، اخوان المسلمین، جماعت اسلامی و حرکت اسلامی ایران» نام دارد که نویسنده در آن به مقایسه تطبیقی سه حرکت اسلامی برجسته معاصر در جهان اسلام می‌پردازد و ویژگی‌ها و تمایزات امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی را نسبت به دیگر حرکت‌های اسلامی معاصر به اثبات می‌رساند. مقاله «انقلاب اسلامی ایران، پیش‌تاز حرکت جهانی اسلام» بخش دوم و مقاله «تجدید حیات اسلام: حاکمیت علما یا روشنفکران» عنوان بخش سوم کتاب را تشکی می‌دهند. بخش چهارم کتاب نیز گفت‌وگوی نشریه «العقیده» الجزیره با راشد الغنوشی درباره حرکت اسلامی تونس و ایران اسلامی است که طی آن دیدگاه‌های حرکت اسلامی «النهضة» درباره انقلاب اسلامی ایران تبیین می‌شوند (نک: غنوشی، ۱۳۷۷).

در سال ۱۹۸۷ میلادی، تونس به بهانه‌ی دخالت ایران و حمایت از «الاتجاه الاسلامی» روابط خود را با ایران قطع کرد و مجدداً زعمای این جریان را به زندان افکند. در این فاصله، نتیجه تبدیل به حرکتی سری شد و موفق گردید شمار کثیری از جوانان متعصب را از مساجد و دانشگاه‌ها به خود جذب کند. هر عضو جدید، ۵ درصد در آمد خود را در اختیار حرکت اسلامی می‌گذاشت، و منابع مالی دیگری نیز به دست آمد. اسلام‌گرایان توانستند اتحادیه‌های دانشجویی و کارگری را به خود جذب کنند، به طوری که در سال ۱۹۸۸ میلادی حرکت مزبور بیش از ۱۰ هزار عضو رسمی داشت (برومند، ۱۳۹۲: ۳۲).

غنوشی با تبیین اصل سیاسی بودن اسلام و زنده کردن فلسفه غیبت امام در قالب ولایت فقیه توسط امام خمینی، سعی زیادی برای نفی دیدگاه سکولار در حوزه اندیشه سیاسی رایج اهل سنت داشته و با غیرممکن بودن نظام خلافت در عصر حاضر از حکومت اسلامی به‌عنوان حکومتی مبتنی بر مشروعیت دوگانه به احکام الهی و انتخاب مردمی یاد می‌کند که براساس آیات و روایات مربوط به شورا و مشورت و نیز حجیت شورا و رأی مردم، تأسیس می‌گردد (غنوشی، ۱۳۸۱: ۲۳-۱۱).

تأثیر عمیق انقلاب اسلامی در حوزه کلامی نیز بر غنوشی تا آنجاست که وی به تجدید حیات امت اسلامی به شکل احیا و آغاز تمدن جدید اسلامی می‌اندیشد. (غنوشی، ۱۳۷۷: ۱۶۸ - ۱۶۵)

محمد الهاشمی الحامدی از زهیران جنبش اسلامی در تونس می‌نویسد: «پیروزی انقلاب اسلامی در ایران یک رویداد تاریخی عظیم بود که نسل‌های مسلمان را از رکود و گوشه‌گیری نجات داد و انسان را به حرکت واداشت. در نهایت قاطعانه می‌توان اقرار نمود که اسلام قادر است بر دشمنان پیروز گردد و گستاخ‌ترین نظام ضد مذهبی را واژگون سازد. (تونس از استقلال تا امروز) قبل از پیروزی انقلاب، المعرفه ارگان جنبش اسلامی تونس، از معدود نشریاتی بود که حوادث ایران و جنبش

اسلامی تحت رهبری امام خمینی را مورد تفسیر و ارزیابی مثبت قرار می‌داد و از آن حمایت کرد. راشد الغنوشی در روزهای اولیه پیروزی انقلاب (بهمن ۱۳۵۷) در مقاله‌ای که در المعرفه نوشت، و گروه‌های متعصب دفاع کرد و حرکت اسلامی در ایران را طلیعه حرکت جهانی اسلام دانست. به نظر راشد الغنوشی انقلاب مثبت شیعه و نظرات مثبت فقهای بزرگ اهل سنت در قبال تشیع و نیز ارتباطات میان جنبش اسلامی مصر در دوران حسن البنا را با نهضت آیت الله کاشانی و فدائیان اسلام متذکر می‌گردد (فراتی، ۱۳۸۱: ۲۱۳).

«تأثیر ژرف رفتاری انقلاب بر اتجاه اسلامی تونس و رهبری آن را می‌توان در تغییر نام این جنبش به «النهضة» و سازماندهی جوانان انقلابی برخلاف عدم اهمیت مصلحان سنی‌مذهب برای سازماندهی و تشکیلات دانست؛ به‌گونه‌ایکه غنوشی خواستار اقدامات تهاجمی حرکت‌های اسلامی در شرایط کنونی بیداری اسلامی در خاورمیانه می‌باشد که طبق تفسیر جدید از شریعت اسلام و براساس شرایط واقعی زمان و مکان و پرهیزکردن متفکران تونس و اسلام از محدودکردن اندیشه اسلامی خود صورت خواهد پذیرفت. وضعیت اسفبار فرهنگی جامعه سکولار ایجادشده در تونس و همزمانی این اتفاقات با اوج مبارزات انقلاب اسلامی، سرعت پخش و سرایت انقلاب را در مردم مسلمان تونس زیاد کرد و حرکت اتجاه اسلامی و «النهضة» به رهبری راشد الغنوشی شکل تهاجمی به خود گرفت» (رحمانی، ۱۳۹۱: ۲۱۵).

راشد الغنوشی معتقد است که غرب‌زدگی تمدن اسلامی را نابود می‌کند و تأسیس دولت اسلامی ضروری است و در این راه حتی جهاد هم لازم است. آزادسازی سرزمین‌های اسلام و نجات همه‌ی مسلمانان از سیطره‌ی غرب نیز از دیگر افکار وی است که متأثر از حرکت امام خمینی و انقلاب اسلامی می‌باشد. در گفتمان نوظهور و قدرتمند انقلاب اسلامی، رابطه تنگاتنگ غرب با رهبری جهان تحت فشار قرار می‌گیرد و با ایده غرب‌مداری به عنوان مدلی پایدار از توسعه و پیشرفت با مخالفت جدی روبه‌رو می‌شود. از این منظر می‌توان ظهور اسلامگرایی را در تخریب و فرسایش اروپامداری و غرب‌مرکزی، مورد توجه قرار داد. از این رو، گسترش اسلامگرایی مانعی بنیادین و اساسی در برابر افزون‌خواهی غرب در جهان محسوب گردید. در این گفتمان جدید، در عین حال که غرب را به لحاظ فنی و صنعتی بر جهان اسلام برتر می‌داند، اما آن را از نظر اخلاقیات در انحطاط و در پرتگاه نابودی می‌بیند.

توزیع عادلانه‌ی امکانات اقتصادی برای حل مشکلات اقتصادی مسلمانان، اعتقاد به چندصدایی و تنوع سیاسی، تشویق زنان به حضور فعال در صحنه‌ی فعالیت‌های عالی اجتماعی و رد قومیت‌گرایی، از دیگر جنبه‌های فکری راشد الغنوشی می‌باشد. وی معتقد به تشکیل دولت اسلامی و یا دست کم دولتی



است که اجازه‌ی رقابت آزاد به احزاب اسلامی می‌دهد. به عقیده‌ی او، جاودانگی اسلام و بقای امت آن، به دو امر بازمی‌گردد: ۱. آنچه در سرشت این دین درباره‌ی انطباقش بر طبیعت و فطرت بشر و قدرت انعطافش برای پاسخ به نیازهای انسانی، متناسب با پیشرفت او، وجود دارد؛ ۲. خداوند افرادی از بزرگان و توانمندان را در این دین برگزیده است که میراث دار انبیاء هستند و به ضرورت، برای مشکلات جدید بشر به تقیح دین و ارائه‌ی راه حل می‌پردازند. (غنوشی، ۱۳۷۷: ۱۱۷-۱۱۸). این در حالی می‌باشد که پیشتر انقلاب اسلامی، به عنوان پدیده‌ای که بر بنیاد ارزش‌های دین با تکیه به روش‌ها و شیوه‌های نوین دموکراسی، شکل گرفت و الگوی جدید از مقاومت و مبارزه با استبداد و استعمار را به نمایش گذاشت، الگوی جدیدی از مدیریت در عرصه قدرت، سیاست و حاکمیت را متجلی و شکل جدیدی از تاثیرگذاری و متفاوت از کارکرد تاریخی مزبور را بنا نهاد و نوعی از جریان احیاء، بیداری فکری و ایدئولوژیک را سامان داد و هدایت کرد.

بنابراین رشد اسلام‌گرایی و بیداری اسلامی در تونس بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، گسترش یافته و با جدیدت بیشتری از سوی راشد الغنوشی پیگیری می‌شود که در نهایت نیز در سال ۲۰۱۱ با پیروزی وی و حزب النهضة اوج بیداری اسلامی در این کشور مشاهده می‌شود.

### ۶. نقش و جایگاه نیروهای نظامی در فرایند دموکریزاسیون تونس

نقش ارتش و نیروهای نظامی در سپهر سیاسی تونس چندان قوی نمی‌باشد، به بیانی دیگر ارتش در این کشور سیاسی نبوده و دخالتی در امور سیاسی ندارد. نکته حائز اهمیت جنس ساختاری ارتش تونس می‌باشد که بیشتر یک ارتش منظم کوچک با پتانسیل کاملاً دفاعی بوده است که پس از استقلال این کشور شکل گرفته و در دوران بن علی توسعه تا حدودی توسعه یافته و اعضای آن به حدود ۵۰ هزار نفر رسید. اما بن علی در دوران ریاست جمهوری خویش بیش از ارتش به توسعه نیروهای امنیتی پرداخت، بگونه‌ای که اعضای نیروهای امنیتی در این کشور به حدود ۱۲۰ هزار نفر می‌رسد. (نبوی، ابراهیم‌نیا، ۱۳۹۳: ۲۳) از این رو، ارتش در مسائل داخلی کم‌ترین نقشی نداشت. این همان شیوه‌ای بود که ناپلئون برای مواجهه با کودتا به وجود آورده بود. زین العابدین بن علی، ارتش را در دسته‌های نظامی تقسیم کرد تا در امور عمومی مانند فقرزدایی و امثال آن به کار گرفته شوند (اندرسون، ۲۰۱۱). استمرار

<sup>1</sup> Anderson

وجود بن علی در رأس قدرت، به مفهوم استمرار وجود ارتش در حاشیه ساخت سیاسی تونس به شمار می‌رفت (گلدستون<sup>۱</sup>، ۲۰۱۱).

با شروع اعتراضات مردمی و گسترش آن در سراسر تونس، بن علی نیروهای امنیتی را برای سرکوب مردم فراخواند که در عمل ناموفق بود، در ادامه نیز ارتش را برای سرکوب مردم وارد میدان کرد، اما نیروهای ارتش نه تنها به سرکوب مردم نپرداخته، بلکه به مثابه حائلی بین مردم معترض و نیروهای امنیتی عمل کرده و حتی ژنرال رشید عمار فرمانده ارتش این کشور، از درخواست ملاقات بن علی سرپیچی کرده و حاضر به ملاقات با بن علی نشد. ژنرال عمار معتقد بود؛ بعد از سقوط بن علی برای تصاحب قدرت از طریق کودتا به وی پیشنهاداتی شده بود، اما وی در جهت تحقق دموکراسی به این مهم وقعی ننهاد و از کودتا برای تصاحب قدرت طرف نظر کرده است، وی در مصاحبه با شبکه الحوار تونس گفته بود: «وزیر اول کشور (نخست وزیر) محمد الغنوشی و احمد فریعه، وزیر کشور و ریاض قریره، وزیر دفاع در حکومت بن علی به من پیشنهاد دادند که قدرت را به دست گیرم از ترس این که مبدا حرکت النهضه به قدرت برسد و دیگران را کنار بزند. و قدرت را تحویل بگیرم، و گفته شد اگر تو قدرت را به دست نگیری (حرکت) النهضه قدرت را به دست خواهد گرفت. من گفتم دوست دارم کشورم دموکراتیک و آزاد باشد و در آن انتخابات برگزار کنیم، حالا چه النهضه به قدرت برسد چه کس دیگری بر سر کار بیاید» (نقل از؛ دیپلماسی ایرانی، ۲۵ آبان ۱۳۹۴) به بیانی دیگر، «ارتش تونس برای کنترل اوضاع و جلوگیری از فروپاشی کامل رژیم حکومتی، بن علی را قربانی کرد؛ چون ارتش از جایگزین‌های احتمالی پس از سقوط کامل رژیم بیمناک بود، لذا وارد عمل شد. و خود را حامی انقلاب نامید تا از موج سواری رادیکالها پیش گیری کند. این امر به دو شکل صورت گرفت: ابتدا ارتش با عدم سرکوب مردم و حمایت از آنها اعتبار و محبوبیت قابل توجهی به دست آورد و دوم، با قربانی کردن بن علی خود را در صف مردم و انقلاب قرار داد» (عباسی، ۱۳۹۶: ۵۲-۵۳).

در واقع می‌توان گفت؛ ارتش تونس، برخلاف کشورهایی مانند مصر و لیبی، بیش از آنکه به عنوان قدرتی مستقل در امور سیاسی و اقتصادی دخالت کند، به مثابه نهادی در زیرمجموعه ریاست جمهوری، عمل کرده و امور سیاسی را به صحنه مداخلات خویش تبدیل نکرده است. این مهم (عدم مداخله ارتش) در تحولات سیاسی تونس، نه تنها کاهش تلفات انسانی در همسنگی با دیگر کشورها و محدودیت زمانی و مکانی دامنه درگیری‌های خیابانی را به دنبال داشت، بلکه حفظ و

<sup>۱</sup> Goldstone

حراست ساختمان‌ها و مواضع حساس و فوق حساس کشوری و نظامی بخوبی انجام شد و این مجموعه، کاملاً سالم و دست نخورده به دولت موقت انقلابی منتقل شد.

#### ۷. نقش و جایگاه سایر احزاب و گروه‌های سیاسی تونس در فرایند دموکراسی خواهی

صحنه سیاسی تونس را می‌توان به مثابه مجموعه‌ای رنگین‌کمانی از احزاب گوناگون و تشکل‌های صنفی پر قدرتی تصور کرد که از اقشار مختلف طبقات اجتماعی تشکیل شده است. «طیف نگرش‌های گوناگون سیاسی و مذهبی میان احزاب این کشور بسیار گسترده است و بسیاری از آنها توانسته بودند با وجود سرکوب‌های حکومت بن‌علی به طور زیرزمینی ارتباط خود را با اعضا حفظ کنند و سطحی از فعالیت را داشته باشند. پیوند میان نهادهای صنفی و احزاب سیاسی در ناآرامی‌های یک‌ماهه کشور، نوعی همبستگی و اجماع عمومی را به همراه آورد و مانع افتراق مردم شد. این اتحاد به سبب ساختار نظام‌مند درون‌سازمانی و دوراندیشی‌های پیشین، توانست به محض سقوط دولت جایگزینی مناسب پیشنهاد کند و با وجود اختلاف‌نظرها، به یک نقطه اشتراک برسد. همچنین رفتارهای عقلایی احزاب عمده این کشور مانند جنبش النهضه (شاخه تونس‌ای اخوان المسلمین) مانع حرکت‌های سهم‌خواهانه بعدی در این کشور شد و در عمل، یک بستر ثابت و آرام را پدید آورد» (مسعود، ۱۳۹۸). بگونه‌ای که بعد از سقوط بن‌علی و پیروزی انقلاب، ۸۰ حزب و ده‌ها گروه سیاسی، در انتخابات مجلس موسسان شرکت داشتند و در محیطی بدون تشنج و اغتشاش به پیاده‌سازی میانی و مولفه‌های دموکراسی پرداختند که در نهایت؛ حزب النهضه به رهبری راشد الغنوشی با کسب ۸۹ کرسی و حدود ۴۰ درصد آرا را به خود اختصاص داد، «حزب کنگره برای جمهوری» به رهبری «منصف المرزوقی» با ۳۰ کرسی در رتبه دوم و تشکل «تکتل دیمقراطی حزب دموکراسی برای کار و آزادی» به رهبری «مصطفی بن جعفر» با ۲۱ کرسی در جایگاه بعدی قرار گرفتند.

نام حزب	ایدئولوژی و مرام سیاسی و مذهبی
النهضه	اسلامگرای معتدل (سازگار با منطق مدرنیته غربی)
اتحادیه اصلی کارگری (اتحادیه مشاغل - UGTT)	سوسیالیستی و سکولار
حزب لیبرال ندای تونس	لیبرالستی و سکولار
حزب کنگره برای جمهوری	چیگرا و سکولار

نام حزب	ایدئولوژی و مرام سیاسی و مذهبی
حزب تریبون دموکرات برای کار و آزادی (حزب التکتل)	چیگرا و سکولار
حزب دموکرات میهن پرستان	چیگرا و سکولار
حزب جنبش مردمی	چیگرا و سکولار
حزب جبهه اصلاحات	سنی - سلفی
حزب التحریر	سنی - سلفی
فهرست مردمی (العریضه الشعبیه)	سکولار
حزب دموکراتیک پیشرو (الديمقراطي التقدمی)	سکولار دموکرات
قطب مدرن دموکراتیک (الديمقراطية الحداثیة القطب)	سکولار دموکرات

جدول ۱: گروه‌های سیاسی تأثیرگذار در تونس (نبوی، ابراهیم نیا، ۱۳۹۳: ۱۷)

از مهمترین احزاب سکولار تونس را می‌توان به حزب ندای تونس اشاره کرد. حزب سکولار ندای تونس در سال ۲۰۱۲ اندکی پس از انقلاب به رهبری «الباجی قائد السبسی» رییس مجلس تونس در زمان بن‌علی، شکل گرفت و دولتمردان پیشین کشور، لیبرال‌ها و اعضای تشکل‌های کارگری و صنوف کارفرمایی را متحد کرد. این حزب در سال ۱۳۹۳ اکثریت نخستین انتخابات مجلس را با کسب ۸۰ کرسی به دست آورد. السبسی همان سال با رای مردم سکان ریاست جمهوری کشور را به دست گرفت. با این همه، اختلاف داخلی بر سر چگونگی اداره کشور و پاسخگویی به مردم، سبب جدایی برخی نمایندگان این فراکسیون در مجلس شد و این حزب را از اکثریت انداخت (الجزیره، ۲۰۱۴).

در پایان می‌توان گفت؛ توافق سیاسی میان گروه‌های مختلف سیاسی در تونس اعم از سکولارها و اسلام‌گرایان، راه را برای ثبات سیاسی و استقرار دموکراسی در این کشور فراهم کرده است. علاوه بر توافق سیاسی میان گروه‌های مختلف نباید از فعالیت جامعه مدنی و تلاش آن غافل ماند. در واقع رسیدن به این سطح از دموکراسی در تونس به عنوان مهمترین دستاورد ملی بعد از انقلاب ۲۰۱۱ تا

Aljazeera<sup>1</sup>

کنون، بدون فعالیت‌های مداوم جامعه مدنی تونس امکان‌پذیر نبود، هر چند در دوران «زین‌العابدین بن علی» جامعه مدنی به شدت تحت فشار و سرکوب نیروهای دولتی قرار داشت، اما با پیروزی انقلاب و فرار بن علی به خارج از کشور، جامعه مدنی به شدت گسترش یافت و نقش آفرینی عمده‌ای در این کشور داشت. «به‌طوری که پس از انقلاب تونس هزاران سازمان غیر دولتی شکل گرفت و ماموریت‌هایی نظیر حفاظت از حقوق بشر، نظارت بر دولت برای مقابله با فساد دولتی را عهده‌دار شد. این ماموریت‌ها عمدتاً با همکاری اروپایی‌ها همراه شد و پیشرفت‌های مهمی در زمینه پاسخگو کردن دولت و حقوق بشر به دست آمد به‌طوری که در سال ۲۰۱۵ در تونس، دو اتحادیه کارگری و اتحادیه حقوق بشر تونس به خاطر تلاش‌هایی که در جهت مصالحه بین اسلام‌گرایان و سکولارها در سال ۲۰۱۳ انجام دادند، موفق به کسب جایزه صلح نوبل شدند». (آذرگشسب، ۱۳۹۷: ۱۳)

### نتیجه‌گیری

پیروزی انقلاب اسلامی در این که منجر به سقوط استبداد و ایجاد حکومتی دینی و مردمسالار شد موجبات رشد اسلام‌گرایی و گسترش بیداری اسلامی را بیش از پیش به دنبال داشت. بگونه‌ای که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در بسیاری از حکومت‌های استبدادی در سراسر جهان اسلام نموده‌های انقلاب اسلامی را می‌توان مشاهده کرد. بسیاری از صاحب‌نظران در پدیده جنبش‌های اسلامی معاصر معتقدند که انقلاب اسلامی ایران یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار در پیشبرد روند بیداری و آگاهی مسلمانان و ازدیاد فعالیت‌های مؤثر در جوامع عربی و اسلامی بوده است. نظریه تأثیرپذیری کشورهای اسلامی از انقلاب، مبتنی بر سخنان رهبران جنبش‌های آزادی‌بخش و الگوبرداری آنان از انقلاب ایران و مطالعه تحولات و رویدادهایی است که در کشورهای اسلامی رخ داده است. انقلاب اسلامی ایران به دلیل جاذبیت در شعارها، اهداف، روش‌ها، محتوا و نتایج حرکت‌ها و سابقه مشترک دینی و تاریخی و شرایط محیطی منطقه‌ای و بین‌المللی، پدیده‌ای اثرگذار در جهان اسلام بوده است. این مایه‌های اثربخش بطور طبیعی یا اداری و برنامه‌ریزی شده و از طریق کنترل‌هایی چون ارگانهای انقلابی سازمانهای رسمی دولتی و اداری، ارتباط علمی و فرهنگی، مبادلات تجاری و اقتصادی، در کشورهای مسلمان بازتاب یافته و دولت‌ها و جنبش‌ها و سازمان‌های دینی را در آن جوامع به درجات مختلف متأثر نموده است. البته میزان تأثیر و بازتاب انقلاب اسلامی بر همه جوامع اسلامی یکسان و یکنواخت نبود، بلکه با توجه به قرابت‌های فکری، فرهنگی و جغرافیایی، درجه تأثیر آن متفاوت می‌باشد.

یکی از کشورهایی که در آن اسلام‌گرایان، از انقلاب اسلامی و امام خمینی (ره) تأثیر زیادی پذیرفتند، کشور تونس است. در این کشور، جنبش اسلام‌گرای النهضه و رهبر آن، شیخ‌راشد الغنوشی، از دهه شصت میلادی با دیکتاتوری حاکم در تونس در حال مبارزه بودند که با وقوع انقلاب اسلامی در ایران و آشنایی غنوشی با اندیشه‌های امام خمینی (ره)، روند جدیدی در اندیشه و عمل سیاسی جریان النهضه و رهبری آن در باب حکومت مطلوب به وجود آمد.

از سوی دیگر مقوله دموکراسی و پیاده‌سازی آن یکی از پرکاربردترین و مناقشه برانگیزترین مباحثی می‌باشد، که از دهه ۱۹۸۰ تا کنون در جهان عرب، محافل مختلف فکری و سیاسی را به خود مشغول ساخته است. حق مشارکت سیاسی و برگزاری انتخابات آزاد و سالم، کمترین خواسته و انتظار مردم، احزاب و تشکل‌های سیاسی در جهان عرب از حکومت‌های حاکم می‌باشد که غالباً بصورت فردی و سلطانی اداره می‌شوند. علیرغم حوادث و تحولات مختلف در این کشورها، تغییری اساسی در جهت تحقق دموکراسی خواهی مردم ایجاد نشد تا اینکه در اواخر سال ۲۰۱۰ موج جدید دموکراسی خواهی با عنوان بیداری اسلامی متأثر از انقلاب اسلامی فرا رسید. موج اسلام خواهی مردم تونس که ریشه در اخوانی‌های مصر دارد، در سال ۱۹۷۱م توسط راشد الغنوشی پایه‌های جنبش النهضه را فراهم آورد، با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، اندیشه‌ها و آرمان امام خمینی را پذیرفتند. اما در دوران حکومت بن علی، رهبران این جنبش در تبعید به سر می‌بردند و امکانی برای اجرای برنامه‌ها و اهداف خویش نداشتند. تا اینکه سرانجام در سال ۲۰۱۱ با گسترش اعتراضات مردمی در این تونس حکومت بن علی ساقط شد و راه برای عرض اندام جریان‌ات و نیروهای مختلف در سپهر سیاسی تونس فراهم شد.

در واقع انقلاب تونس نشأت گرفته از خیزش جامعه مدنی در این کشور بود. اقدام مردم تونس تابوی سیاسی بسیار قدیمی در خاورمیانه را از بین برد و مسیر را برای بسیاری از تحکات در کشورهای دیگر گشود. لذا موجه ترین شکل دموکراسی خواهی و نتایج مثبت آن را می‌توان در تونس مشاهده کرد. با توجه به چارچوب نظری مقاله که مبتنی بر دیدگاه هایک بود، می‌بایست به این نکته اذعان داشت که هایک از یک‌سو آزادی را اصل می‌داند و از سوی دیگر از بازار آزاد برای به حداکثر رسیدن دانش انسان دفاع می‌کند و از طرفی دولت را نوعی طرز تلقی از فشار و عدم آزادی می‌داند و بر مفهوم دولت حداقل تأکید می‌کند. افزون بر این‌ها یک مهمترین مبنای عدالت اجتماعی، رعایت اصول قانون عادلانه و آزادی می‌باشد. وی استدلال می‌کند که حکومت قانون باید در برخورد برابر و یکسان با افراد به منزله موجودات و مصادیق ناشناس و نامعین به نابرابری آنان در بهره داشتن از امکانات بی‌اعتنا باشد.

کوشش برای یکسان‌سازی و حذف این‌گونه تفاوت‌ها و نابرابری‌های اولیه خود موجب رفتار متفاوت با افراد می‌شود و ناروایی‌هایی ایجاد می‌کند. این‌گونه اقدامات به دادن اختیارات وسیع به حکومت می‌انجامد تا به بهانه عدالت اجتماعی بر زندگی مردم مسلط شوند. در نتیجه اندیشه عدالت اجتماعی متضمن تهدیدی جدی برای جامعه آزاد و حاوی نطفه نظام توتالیتر است. در حالی که محور اندیشه‌های هایدک مفهوم آزادی است.

لذا با توجه به مبانی نظری هایدک و تحولاتی که در جامعه تونس به وقوع پیوسته است به جرات می‌توان گفت دموکراسی خواهی در تونس از روند مناسبی برخوردار می‌باشد. زیرا احزاب سکولار و مذهبی در تونس در پی فروپاشی نظام غیردموکراتیک، با تضارب آرا و در محیطی رقابتی و بدون تشنج و درگیری موفق شدند به استقرار دموکراسی حداقلی گام برداشته به تثبیت دموکراسی خواهی مردم پرداخته و برای نخستین بار در جهان عرب الگویی از یک دولت دموکرات ارائه دهند، مهمترین نمودهای روند دموکراتیزاسیون در این کشور را می‌توان در همراهی ارزش‌های اسلامی و دموکراتیک در قانون اساسی جدید تونس، حضور گروه‌ها و احزاب مختلف با عقاید و ایدئولوژی‌های گوناگون که راه بازگشت اقتدارگرایی را مسدود کرده است، مشاهده کرد. تصویب قانون اساسی دموکراتیک، انتخاب اعضای پارلمان و ریاست جمهوری بر مبنای این قانون، نفی دخالت نظامیان در سیاست و برابری حقوق زن و مرد از جمله نشانه‌های توفیق نسبی تونس در گذار به دموکراسی حداقلی است.

## کتابنامه

- ابراهیم‌نیا، حسین (۱۳۹۱). «بررسی تأثیر روی کار آمدن جریان‌های اسلام‌گرای تونس بر موقعیت بنیادگرایی اسلامی سال ۲۰۱۰ تا کنون»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته روابط بین‌الملل. دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج.
- ابراهیمی کیایی، هادی (۱۳۹۳). نسبت انقلاب اسلامی و بیداری اسلامی (تونس و مصر). تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی.
- آجیلی، هادی و بیکی (۱۳۹۵). «واکاوی دگردیسی سیاسی جنبش اسلام‌گرای اخوان المسلمین تونس (النهضة)»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، دوره ۶، شماره ۱.
- آذرگشسب، سینا (۱۳۹۷). «تهدید جامعه مدنی در تونس»، روزنامه اعتماد، شماره ۴۱۷۰، سه شنبه ۶ شهریور.
- افشاری، فاطمه (۱۳۹۹). «نقد و بررسی نظریه‌های دموکراسی نوین و عدالت اجتماعی در دولت حقوقی با تکیه بر آموزه‌های هایک». اندیشه‌های حقوق عمومی. سال نهم بهار و تابستان، شماره ۲ (پیاپی ۱۷).
- امام خمینی (۱۳۷۸). صحیفه نور، تهران: انتشارات فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- امیری‌مقدم، رضا؛ خادم‌دقیق، امیر هوشنگ و رحیمی، بهمن (۱۳۹۸). «آسیب‌شناسی بیداری اسلامی در کشورهای مصر، تونس و لیبی»، فصلنامه امنیت ملی، دوره ۱۰، شماره ۳۷، آبان.
- برومند اعلم، عباس (۱۳۹۲). بررسی تطبیقی جنبش‌های اسلامی الجزایر و تونس (تبار اندیشه‌ای و دگرگونی تاریخی)، تهران: پژوهشکده‌ی تاریخ اسلام، چاپ اول.
- حاجی سیاری، مهدی و جبلی، پیمان (۱۳۹۷). «توصیه‌های راهبردی کشور تونس برای تداوم بیداری اسلامی، مبتنی بر ظرفیت‌ها، پیشران و بازیگران کلیدی»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال ۷، شماره ۳، پاییز.
- حسینی خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۰). بیانات در اجلاس بین‌المللی بیداری اسلامی، ۲۶ شهریورماه، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=17269>
- دارابی، علی (۱۳۹۹). «النهضة و فرایند بیداری اسلامی در تونس؛ از اسلام‌گرایی در مبارزه تا تجربه عملی حکومت داری»، دوفصلنامه مطالعات بیداری اسلامی. دوره ۹، شماره ۱۷، بهار و تابستان.



دیپلماسی ایرانی (۱۳۹۴). «تلاش برای کودتا از ترس رسیدن اخوانی‌ها به قدرت». ۲۵ آبان ۱۳۹۴،

کد: ۱۹۵۳۳۳۱، <http://irdiplomacy.ir/fa/news/1953631>

عباسی، فرهاد، (۱۳۹۶). «بررسی رویکرد ارتش در انقلاب‌های عربی». رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، سال ۹، شماره ۲.

غنوشی، الراشد (۱۳۷۷). حرکت امام خمینی و تجدید حیات اسلام، سیدهادی خسروشاهی، تهران: موسسه اطلاعات، چاپ دوم

غنوشی، الراشد (۱۳۸۱). آزادی کار عمومی در حکومت اسلامی، ترجمه حسینی صابری، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

غنوشی، الراشد (۱۳۹۵). «از اسلام سیاسی به دموکراسی اسلامی: حزب النهضة و آینده تونس».

مترجم: مهدی حسینی، در ۱۳۹۵/۰۷/۲۹، [problematicaa.com/ghanouchi/](http://problematicaa.com/ghanouchi/)

فراستی، عبدالوهاب (۱۳۸۱). انقلاب اسلامی و بازتاب آن، تهران: زلال کوثر.

مرادپور دهنوی، امیرحسین (۱۳۹۹). «درآمدی بر مراحل بیداری اسلامی در جهان اسلام»، دو فصلنامه مطالعات بیداری اسلامی، سال ۹، شماره ۱۸، پاییز و زمستان.

مسعود، مریم، (۱۳۹۸). «ویژگی‌های الگوواره‌ای به نام تونس»، خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران،

[www.irna.ir/news/83641822](http://www.irna.ir/news/83641822)

میرعلی، محمدعلی (۱۳۹۷). «اندیشه‌ی سیاسی "راشد الغنوشی" و تأثیر آن بر تحولات سیاسی تونس»، مجله سیاست متعالیه، سال ۶، شماره ۲۲، پاییز.

نبوی، سیدعبدالامیر و ابراهیم نیا، حسین (۱۳۹۳). «اخوان المسلمین و النهضة: عقاید مشابه مسیر متفاوت». فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، دوره ۱۰، شماره ۲۹، زمستان.

Anderson, Lisa. (2011). "Demystifying the Arab Spring: Parsing the Differences between Tunisia, Egypt and Libya". Foreign Affairs. May/June Version, Available on: <https://www.foreignaffairs.com/articles/libya/2011-04-03/demystifying-arab-spring>.

Arieff, Alexis (2012). "Political Transition in Tunisia". Analyst in African Affairs, Congressional Research Service.

Blaydes, Lisa. 2011. Elections and Distributive Politics in Mubarak's Egypt. Cambridge University Press.

Filiu, Jaen-Pierre (2011), "The Arab Revolution", Hurst Company London.

Freedom House, "Freedom in the World – Tunisia (2010)" accessed in Jan, 23, 2011.

Ghannushi and Turabi, (1981), Al harakat Al-Islamiyyah WA Al-Tahtidh.

- Goldstone, Jack. (2011). Understanding the Revolution of 2011: Weakness and Resilience in Middle Eastern Autocracies, Foreign Affairs, May/June Version.
- Gray.J. (1993).Post- liberalism: Studies in Political Thought. London: Routledge.
- Hayek, F.A. (1978).New studies in Philosophy, Politics, Economics and the History of Ideas. London: Routledge and Kegan Paul.
- Hayek, F.A. (1988).The Fatal Conceit: The Errors of Socialism. London: Routledge.
- <https://www.dw.com/ar>
- Roy, Olivier (2012), “Arab Society in Revolt”, Washington, Brookings.
- Transparency International, "Corruption Perceptions Index 2010", 2010, Accessed in Jan. 25, 2011, p.3.
- <http://www.transparency.org/content/download/55725/890310>
- UNDP, Arab Human Development Report: Challenges to Human Security in the Arab Countries, New York: Regional Bureau for Arab States, 2009.
- [www.aljazeera.net/encyclopedia/movementsandparties](http://www.aljazeera.net/encyclopedia/movementsandparties), 8/11/201